

در خارج فقه مالی دولت :

استاد مصباحی مقدم

جلسه سیزدهم

۱۴۰۴/۰۹/۳۰

از چه کسانی می توان مالیات گرفت؟

چه مقدار مجاز است مالیات گرفته شود؟

از تولید کالاها یا از مصرف کالاها و خدمات می تواند مالیات گرفته بشود؟

از صادرات یا از واردات باید مالیات گرفته شود؟

جمع بین اخذ زکات (خمس) و اخذ مالیات مشروع است؟

اکنون و پس از اثبات جواز اخذ مالیات باید به سؤالاتی مهمی در این زمینه پاسخ داده شود.

شاید بهترین سوال این باشد که از چه کسانی مجاز است مالیات گرفته شود؟

پاسخ این سوال این است که کسانی که درآمد آنان کفاف هزینه های ضروری آنان را نمی دهند از پرداخت مالیات باید معاف باشند زیرا زکات (و خمس) که واجبات مالی شرعی است به مال آنان تعلق نمی گیرد، تا چه رسد به مالیات برای هر یک از موارد زکات نصابی در نظر گرفته شده که معمولاً به مقدار مصرف سالانه خانوار متوسط در مواردی مانند غلات اربعه و یا به مقدار سرمایه لازم برای تأمین معیشت خانوار در نقدین و انعام ثلاثه است و در مورد خمس ارباح مکاسب الخمس بعد المؤونة به صراحت مقدار هزینه معیشت سالانه خانوار را استثنا کرده است، اما خمس غنائم جنگ استثنا ندارد و خمس معدن، به مقدار بیست مثقال طلا پس از کسر هزینه تولید، استثنا شده است و خمس گنج نیز مازاد بر نصاب بیست مثقال طلا و خمس غواصی به مقدار یک دینار و کمتر معاف است و مازاد بر آن باشد به آن خمس تعلق می گیرد و فقرا از پرداخت زکات فطره نیز معاف اند. بنابراین از کسانی می توان مالیات گرفت که درآمد آنان مازاد بر کفاف معیشت باشد و با گرفتن مالیات دچار کمبود مالی برای تأمین معیشت متعارف سال نشوند البته باید بخش عمده مالیات را از کسانی گرفت که مازاد قابل توجه دارند و تبدیل به ذخیره شده است.

چه مقدار مجاز است مالیات گرفته شود؟

پاسخ این سوال روشن است با توجه به اینکه اصل عدم جواز اخذ مالیات از مردم است، از این اصل به اندازه نیازهای لازم حکومت می توان مالیات گرفت و نیازهای لازم را باید با بر آورد کارشناسانه هزینه ها، شامل هزینه های زیر ساختی و هزینه های جاری با نگاه بلند مدت و توسعه ای بر اساس سیاستهای کلی و برنامه های میان مدت و سالانه بدون اسراف و تبدیل باید تعیین کرد.

در حال حاضر این سند چشم انداز و سیاستهای شمار کلی ابلاغی از سوی رهبری بر اساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، مبنای برنامه های پنج ساله توسعه و پیشرفت که است که پایه تصمیم گیری برای درآمدها و هزینه ها است این ساز و کار می تواند مبنای تعیین مقدار بودجه سالانه مورد نیاز حاکمیت و دولت قرار گیرد و آحاد و افراد به تناسب در آمد و ثروت خود سهمی در تامین این هزینه ها بر عهده بگیرند.

آیا از تولید باید مالیات گرفت یا از مصرف؟

در این گونه سیاست گذاری ها باید از شرع و رفتار عقلای جهان الهام گرفت. در شرع در مواردی از تولید زکات گرفته می شود مانند زکات غلات چهارگانه با رعایت نصاب و چوب آن که مقدار مصرف معمول خانوار را استثنا می کند و در خصوص خرما و انگور مصرف تازه خوری خانوار را استثنا می کند ظاهراً مبنا این است که اینگونه محصولات ضرورتاً تولید می شود.

در مواردی از سرمایه راکد زکات گرفته می شود مانند نقدینی که یک سال را که مانده باشد و نیز شتر و گاوی که یک سال از علوفه صحرا ارتزاق کرده و به کار گرفته شده باشند ، به عبارت دیگر شتر و گاوی که با علف متعلق به صاحب آنها ارتزاق کرده باشند و برای آنها هزینه شده باشد و نیز در صورتی که از آنها کار کشیده شده باشد برای سواری یا حمل بار یا کار کشاورزی زکات گرفته نمی شود.

بنابراین، اولویت با گرفتن مالیات از سرمایه های راکد است مانند: زمین و ساختمان بلا استفاده و سرمایه های کنار گذاشته شده نه سرمایه فعال در تولید.

در مواردی از درآمد مزاد بر هزینه خانوار خمس گرفته می شود، البته هزینه خانوار به مقدار متعارف حتی هزینه های ازدواج، سفر و میهمانی و هدایای معمول - نه هدایای بزرگ و نامتعارف - از اداء خمس معاف اند.

غالباً عقلای جهان ، مالیات بر مصرف کالاهای اساسی و خوراک و پوشاک و بهداشت و درمان و آموزش و فرهنگ نمی بندند ، بلکه مالیات پر مصرف کالاهای لوکس و

تجملی و لوازم منزل به عنوان کالا های مصرفی نهائی و کالاهای فراوری شده وضع می کنند.

همچنین، مالیات بر واردات بر مالیات بر صادرات رجحان دارد. کوشش براین اساس که صادرات تشویق شود و واردات هزینه داشته باشد.

همواره تلاش می شود تولید مورد حمایت قرار گیرد و اشتغال گسترش یابد. بنابراین مالیات بر تولید و ایجاد اشتغال اندک و مالیات بر فعالیتهای واسطه گری و دلالی که زود بازده و پر بازده است افزایش می یابد تا سرمایه ها بطور عمده به سمت تولید هدایت گردد.

جمع بین زکات و خمس و مالیات مانند جمع بین حقوق واجب مالی و خراج است.

خلاصه و جمع بندی بحث وضع مالیات :

دو مقدمه اول گفته شد که دولت اسلامی باید مجری احکام شریعت باشد و آنچه در شرع به عنوان واجب مالی بر عهده مسلمانان مقرر شده زکات (و خمس) است علاوه بر این، خراج اراضی مفتوح العنوة و خراج انفال است مگه این دو جنبه عبادی ندارد.

در مقدمه دوم: گفته شد: اصل عدم جواز اخذ مالی غیر از واجبات مالی شرعی از مردم است.

در مقدمه سوم: معلوم شد که حق معلوم واجبی نیست که قابل مطالبه باشد. گرچه بنابر ظاهر روایات هر کسی به مقدار توانایی مالی باید بر خود غرض و ادا کند و حق الحصاد که در بعضی روایات و فتوای شیخ طوسی آمده است، از سوی سایر فقها واجب شرده شده است.

در مقدمه چهارم: از مذمت عشاران سخن گفته شد و نهایتاً به این نتیجه رسیدیم که عشاران گیرندگان اموال نامشروع تحت عنوان عشر بوده اند یا وضع عشری که صورت گرفته از سوی کسی و کسانی بوده که حق وضع آن را نداشته اند.

در مقدمه پنجم: تکالیف گسترده عصر حاضر بر دوش دولتهای اسلامی مطرح شد که برای آن منبع مالی وجود ندارد، زیرا زکات و خمس) را رفع فقر به طور عمده - وضع شده و نه برای اداره حکومت و خراج و جزیه که برای اداره حکومت وضع شده امروزه وجود ندارد. و نفت و گاز در جمهوری اسلامی اولاً برای تبدیل به سرمایه زیر بنایی باید هزینه شود. ثانیاً: همه کشورهای اسلامی نفت و گاز ندارند و بحث های نظری است باید نتیجه آن شمول داشته باشد.

اقوال فقهای مانند شهید بهشتی، منتظری و مؤمن درباره وضع مالیات حکومتی مطرح و بررسی شد.

در نهایت نظر امام خمینی ره درباره ولایت مطلقه فقیه مطرح و از جمله ولایت بر اداره امور عمومی مسلمانان که لازمه آن هر اقدامی که مصالح عمومی اقتضا دارد، طبعاً حق وضع مالیات برای تأمین هزینه های عمومی حاکم و حکومت را برای فقیه عادل، قائل شده اند.

نکته ای که جا دارد به آن توجه شود این است که وضع خراج و جزیه در شرایع الهی مطرح نبوده بلکه امر عقلانی بوده که سلاطین در هر دوره مقرر می داشته و می گرفته اند و اسلام بر آن صحنه نهاده است، اما اکنون این منبع نیز وجود ندارد و آنچه در میان عرف و عقلای جهان وجود دارد انواع مالیاتهایی است که بر دارایی یا درآمد وضع میشود و دولتها امور عامه خود را از این راه تأمین مالی می کنند.

اکنون و با وجود ضرورت های مطرح شده یا به اعتبار مصالح عمومی مسلمانان که نباید وضع مسلمانان و جهان اسلام فروتر از وضع جهانی کفر باشد بلکه باید برتری جامعه اسلامی را تأمین کند، فقیه عادل و نظام اسلامی می تواند با رعایت وظایف و تکالیف لازم و بر اساس رعایت مصالح مسلمانان از کارآمدترین مالیاتها بهره بگیرد و درآمدی کسب کند که نیازهای عمومی مردم و حاکمیت را تأمین مالی کند. وضع اینگونه مالیاتها از احکام حکومتی است و سوابقی در اقدام امام معصوم علی علیه السلام و امام جواد علیه السلام نیز دارد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین